خراسان بزرگ: سال هشتم، شماره (۲۷)، تابستان ۱۳۹۶
Quarterly bulletin of Greater Khorasan: Vol.۸, No.۲۷, summer ۲۰۱۷

تأثیر جدایی هرات بر حیاتِ اقتصادی خراسان (۱۳۱۳-۱۲۷۳ق)

رحیم جوان لاجی[۱]
مصطفی لعل شاطری[۲]
عباس سرافرازی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۰
شماره صفحات:۹۳-۸۳

چکیده

از جمله موضوعات مغفول در پژوهش‌های معاصر، تاثیر جدایی هرات به‌واسطهٔ عهدنامهٔ صلح پاریس (۱۲۷۳ق/ ۱۸۵۷م) بر حیاتِ اقتصادی خراسان طی سه دهه بعد از آن محسوب می‌گردد. هدف از این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی–تحلیلی، پاسخ به این پرسش می‌باشد که موضوعات اقتصادی متاثر از این افتراق چه بوده و چه ثمراتی را بر زندگانی مردم خراسان به دنبال داشته است؟ با وجود قِلَتِ منابع در این زمینه و مبتنی بر نگاهی جزئی‌نگر و با رویکردی تحلیلی–تطبیقی، یافته‌ها حاکی از آن است که مهم‌ترین تاثیر، انسدادِ مسیر تجاری شرق به غرب و بالعکس بود که در پی آن شهرهای خراسان از مزایای داد و ستدهای تجاری محروم گردیدند. همچنین کاهشِ رونقِ کاروانسراها و موقعیت‌های شغلی حاصل از آن، تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی مبنی بر کشت تریاک و استقبال از تجارت این محصول و در نهایت رواج اجناسِ روسی و افزایش قیمتِ کالاها از جمله مسائل تاثیرگذار بر حیات اقتصادی خراسان در دوره زمانی ۱۲۷۳ق تا ۱۳۱۳ق محسوب می‌گردد. در این بین نقش سیاست‌گذاری‌های انگلیس در راستای منافعی همچون ایجاد حریمی امن برای هند و نیز کسب درآمدهای تجاری مبنی بر انسداد گذرگاه هرات و توجه به خلیج فارس برای مبادلات، حائز اهمیت می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد، هرات، خراسان، انگلیس، قاجار

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه فردوسی مشهد rahimjavan۶۶@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه فردوسی مشهد mostafa.shateri@yahoo.com
۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد absarafrazi@yahoo.com

مقدمه

هرات در بستر تاریخی ایران، پیوسته یکی از نقاط دارای اهمیت از ابعاد گوناگون سیاسی، نظامی، فرهنگی و به ویژه اقتصادی محسوب می‌گردید، چنانکه گواه آن را می‌توان تنشی مستمر میان ایران و ازبکان برای در اختیار داشتن آن در دورهٔ صفوی دانست. با وجود این که در دوره حکومت نادرشاه، هرات در اختیار ایران قرار گرفت، اما به‌واسطه عدم ثبات سیاسی در عصر جانشینان او، افغان‌ها بر هرات مسلط شدند. این جدایی‌طلبی با قدرت‌یابی قاجارها مورد تامل قرار گرفته و حکمرانانی همچون فتحعلی‌شاه خواستار انقیادِ هرات گردیدند، این در حالی بود که در تمام این مدت هرات به عنوان بخشی جدا از ایران محسوب نمی‌گردید و تعاملات این شهر با سایر مناطق خراسان در جریان بود و آنچه موجب تمرد هرات به حساب می‌آمد، عدم اطاعت از حکومت مرکزی و مواردی همچون عدم پرداخت خراج سالانه و شورش‌هایی گاه توأم با غارت بعضی از نواحی بود.

در این بین انگلیس که از آغاز حکومت قاجار، در راستای اهدافِ سیاسی خود، هرات را در کانون توجه قرار داده بود، سرانجام به عملی‌سازی نقشه‌های از پیش تعیین شده پرداخت. از این رو، دولتمردان انگلیسی در راستای ایجاد حریم امنیتی برای هندوستان، سیاست تحریک و اغوای افغان‌ها بر علیه ایران را به‌صورت غیر علنی در دستور کار قرار دادند. در پی آن به فرمانِ فتحعلی‌شاه، نخست از سوی عباس‌میرزا و سپس فرزند او محمد تلاش‌هایی برای سرکوب شورش‌ها و جدایی‌طلبی‌های هرات صورت پذیرفت اما با موفقیت چشمگیری همراه نبود. پس از آن در پی کاهش روابط خصمانه و انقیاد نسبی در زمان ناصرالدین شاه و ایجاد روابط نسبتا دوستانه میان هرات و دربار ایران، انگلستان سیاست تفرقه‌افکنی و تحریک هرچه بیشتر را دنبال نمود و سرانجام در پی ایجاد تنش نظامی و ورود سپاه ایران به هرات، انگلیس به بهانهٔ در خطر قرار گرفتن مرزهای هند به ایران اعلان جنگ داده و ثمره آن مطالبه‌ای سودجویانه و استعماری مبنی بر جدایی هرات به‌واسطه عهدنامهٔ صلح پاریس (۱۲۷۳ق/ ۱۸۵۷م) بود.[۱] به موجب آن ایران متعهد گردید بلافاصله هرات را تخلیه و از هرگونه ادعا نسبت به آن صرف نظر کند و در امور داخلی آن هیچگونه دخالتی نداشته باشد. این عهدنامه زمینه را برای تسلط نهایی انگلیس بر هرات فراهم آورد، چنانکه دو دهه بعد از آن (۱۲۹۶ق/ ۱۸۷۹م) با انعقاد معاهده صلح گندمک، افغانستان را که هرات نیز دیگر بخشی از آن محسوب می‌گردید به‌صورت تحت‌الحمایه خود درآورد (Malleson, ۱۸۸۰: ۸۵؛ Kuhzad, ۱۹۵۷: ۹۰-۹۳؛ Tate, ۱۹۱۱: ۱۵۸-۱۶۰؛ Gustafson, ۲۰۱۳: ۵۳۶-۵۳۹).

پیشینه پژوهش

هرچند در دهه‌های اخیر پژوهشگرانی همچون محمود در کتاب *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی* (۱۳۷۸)، مهدوی در کتاب *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دورهٔ صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی* (۱۳۶۹)، مدنی در کتاب تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران (بی‌تا)، متولی‌حقیقی در کتاب *افغانستان و ایران: پژوهشی پیرامون روابط سیاسی و چالش‌های مرزی از احمدشاه درانی تا احمدشاه قاجار* (۱۳۸۳)، بهمنی‌قاجار در مقالهٔ *پایان حاکمیت سیاسی ایران بر هرات* (۱۳۸۵) و دهقان‌نژاد در مقالهٔ *انگلستان و معاهده استعماری پاریس* (۱۳۸۷) اشاراتی در زمینهٔ پژوهش حاضر داشته‌اند، اما بیش از همه بر منازعات سیاسی-نظامی میان دربار فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه با هرات و نیز تلاش دولتمردان انگلیس برای جدایی هرات را مورد توصیف قرار داده‌اند. همچنین در میان پژوهش‌های غیر فارسی Gammell در کتاب (۲۰۱۶) The Pearl of Khorasan: A History of Herat و Henty در کتاب (۲۰۰۱) To Herat and Cabul: a story of the first Afghan War، همچنین Volodarsky در مقاله‌ای با عنوان Persia's foreign policy between the two (۱۹۸۵) Herat crises و Alder در دو مقاله مشروح و پیاپی در مجله مطالعات خاورمیانه (۱۹۷۴) با عنوان :The key to India? Britain and the Herat problem تا حد فراوانی مشابه محققان ایرانی به بیان تاریخچه‌ای مختصر و اشاره به تنش‌های میان ایران و هرات در دوره قاجار و نقش انگلیس به عنوان دولتی ثالث در راستای اهداف استعماری در هرات پرداخته‌اند. اما اشاره-ای به تاثیر این جدایی بر اقتصاد خراسان و یا حتی بالعکس بر اقتصاد هرات نداشته و بیشتر مبتنی بر رویکرد سیاسی-نظامی به تحلیل این جدایی پرداخته‌اند.

روش پژوهش

بر این اساس پژوهش حاضر با توجه به کمبود منابع موجود با تکیه بر روش توصیفی بر پایهٔ منابع کتابخانه‌ای و توجه بر رویکردی تحلیلی در پی بررسی تاثیر جدایی هرات بر حیات اقتصادی خراسان در بازه زمانی ۴۰ ساله (پس از جدایی ۱۲۷۳ق

---

۱. برای آگاهی بیشتر از گزارش‌های روزانه، ر.ک (Unknown, ۱۸۵۷: ۲۳۰-۲۳۸).

تا پایان عصر ناصری ۱۳۱۳ق.) -که آنی‌ترین تغییرات بر ساختار اقتصادی به واسطه این جریان رخ داده است- می‌باشد. از این رو در ابتدا به صورت گذرا به پیشینهٔ اقتصادی هرات اشاره و سپس به تجزیه و تحلیلِ مهم‌ترین موضوعات اثرگذار بر حیاتِ اقتصادی خراسان که شامل مسدود شدن مسیر تجاری شرق به غرب، کاهشِ رونقِ کاروانسراها و موقعیت‌های شغلی، افزایش کشت و تجارت تریاک، رواج اجناسِ روسی و افزایش قیمتِ کالاها، پرداخته می‌شود.

پیشینهٔ اقتصادی هرات

هرات در خراسان بزرگ، از جمله شهرهای ایران تا عصر تیموری محسوب می‌گردد که از سابقه‌ای کهن برخوردار و در قرن ۳ الی ۵ق. از جمله شهرهای مهم و از آن به‌عنوان اشرفِ بقاع خراسان یاد می‌شد. اما به احتمال فراوان، زمینه‌های رشد چشمگیر آن در قرن ۶ق. فراهم گردید. در حکمرانی سلاطین غور از سویی مبنی بر سیاست‌های نظامی و از سوی دیگر با توجه به‌ویژگی‌های اقلیمی، هرات به‌مرتبه‌ای ممتاز از عمران و آبادانی و متعاقبا رشد اقتصادی دست‌یافت[۱] و این روند تا زمان استیلای مغولان بر آن باقی بود. هر چند یورش مغول و به‌ویژه «تولوی» به‌هرات، قتل، غارت و نابودی کانون‌های اقتصادی بسیاری در سرزمین‌های آباد این منطقه از خراسان را به‌همراه داشت، اما «اوکتای قاآن» همت به‌بازسازی هرات نهاد. پس از آن با یورش تیمور به‌هرات و انتقال اهل حرف به‌سمرقند، تا حدودی این شهر جایگاه اقتصادی خود را از دست داد، اما به‌واسطه دارا بودن شرایط ژئوپلیتیک ممتاز، در اندک زمانی، مجدد هرات مورد توجه شاهزادگان تیموری قرار گرفته و حتی به‌جایگاه اقتصادی برتر از عصر غوریان دست یافت.[۲] پس از تیمور و تنش‌های جانشینی، شاهرخ برای نخستین‌بار در طی تاریخ هرات، این شهر را دارالسلطنه نامید و به آن جایگاهِ سیاسی ممتازی بخشید. پس از او، این شهر به‌عنوان پایتخت تثبیت گردید، چنانکه سلطان ابوسعید و سپس سلطان حسین بایقرا آن را دارالسطنه خود قرار دادند (قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۵۶؛ جوزجانی، ۱۳۶۳: ۱۲۹/۲؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۱۵۴/۱۰؛ خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۸۴-۱۸۳).

در این دوره علاوه بر عامل سیاسی، موقعیت و جایگاه جغرافیایی هرات از جمله جریانات تاثیرگذار بر اقتصاد آن بود. به دلیل قرارگیری هرات در مسیر راه ابریشم و عبور کاروان‌های بزرگ تجاری که هرات در حکم دروازهٔ ورود به هند محسوب می‌گردید، موجب شد تا این منطقه از نظر اقتصادی به رشد و شکوفایی قابل توجهی دست یابد.[۳] عطف به این شرایط، هیأت‌های تجاری خارجی همچون هند، چین و مصر راهی دارالسلطنه گردیده و به مبادلات اقتصادی می‌پرداختند (حافظ-ابرو، ۱۳۷۲: ۱۴). بنابراین در هرات عصر تیموریان، فعالیت‌های تجاری و بازرگانی به طور وسیع در جریان بود و در حقیقت رفاه و شکوه شهر هرات در نتیجهٔ چرخهٔ تجارتی پررونق و فعالی بود که از سویی بنا بر موقعیت جغرافیایی و نیز سایر ظرفیت‌های این ناحیه همچون نیروی انسانی و سرمایه‌گذاری دربار، در استمرار بود (مظاهری، ۱۳۸۸: ۴۸/۱؛ عاملی، ۱۳۹۰: ۳۶۷/۱).

در عصر صفویه، هرات با توجه به این‌که از مرکزیت سیاسی خارج گردید، اما همچنان برای حمکرانان صفوی به‌ویژه از منظر استراتژیک حائز اهمیت بود، چنانکه گواه آن، جنگ‌های پی در پی با ازبکان بود (Burton, ۱۹۸۸: ۱۲۰-۱۲۱). در این عصر، هرات یکی از مناطق مهم خراسان و از دارای موقعیت اقتصادی همانند دورهٔ تیموری و شناخته شده و متعاقبا مقصد بسیاری از کاروان‌های تجاری از عزیمت به خراسان هرات و خروج از مرزهای آن به سمت شرق بود. در این روزگار اگرچه سایر مناطق به‌ویژه اصفهان پس از انتخاب به پایتختی، از رشد و پیشرفت چشمگیری در بیشتر زمینه‌ها از جمله اقتصادی برخوردار شدند، اما در شرق ایران، هرات همچنان در کانون توجه فعالان اقتصادی داخلی و خارجی قرار داشته و کاروان‌های تجاری هرات را به‌عنوان مرکزی حیاتی برای داد و ستد و ادامه تجارت به خارج از ایران می‌شناختند. چنانکه تجار ابریشم خام، پارچه‌های نخی، قند، برنج، عطریات، ادویه، سنگ‌های تزیینی و قیمتی، مواد رنگی و فولاد وارد و در در مقابل فرآورده‌های کشاورزی، حریر، فرش و مصنوعات چرمی را به هند صادر می‌کردند (فوران، ۱۳۷۷: ۷۲-۷۱). لذا به نظرمی‌رسد که بخشی از صادرات و واردات این کالاها از راه زمینی و از مسیر هرات صورت پذیرفته و این منطقه به عنوان پلی بین کارواهای تجاری داخلی و خارجی

---

۱. در این زمان هرات به‌مرتبه‌ای ممتاز از رشد اقتصادی دست یافت، به-نحوی‌که در این شهر ۱۲۰۰۰ دکان و ۶۰۰۰ حمام، کاروان‌سرا و آسیاب و ۳۵۳ مدرسه و خانقاه احداث شد و حدود ۴۰۰۰۴۰ خانه در هرات وجود داشت (غفاری‌کاشانی، ۱۴۱۴: ۳۰؛ مفید، ۱۳۸۵: ۸۱۹/۳).

۲. برای آگاهی بیشتر در زمینهٔ موقعیت هرات از عصر سلجوقی تا مغولان، ر.ک: (Paul, ۲۰۰۰: ۱۰۶-۱۱۴).

۳. راه ابریشم در مسیر هرات، به چهار راهِ فرعی منشعب می‌شد: ۱. در امتداد هریرود از سرخس به مرو. ۲. از سمت شمال شرقی به کُرُخ و غرجستان و مرغاب و مرو. ۳. از جنوب به اسفزار و فراه که از آن‌ها شاخه‌ای در سمت جنوب غربی به سیستان و راه دیگر از سمت جنوب شرقی به بُست و سپس به مولتان در هندوستان. ۴. هرات به فوشنج، جام، فرهادگرد، نیشابور، خواف، زوزن، قاین و گناباد (ساسان‌پور، ۱۳۸۳: ۲۴-۲۲؛ چکنگی، ۱۳۷۵: ۲۸-۲۴)

برای ورود به سرزمین‌های شرق دور بوده است. چنانکه وجود کاروانسراهای متعدد در خراسان و در مسیرهای منتهی به هرات را می‌توان نشانی از این رونق تجاری دانست (رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۸۸-۱۸۷؛ پارسادوست، ۱۳۸۸: ۳۷۴-۳۷۳).

در دورهٔ افشاریه، مشهد مرکز حکومت تعیین گردیده و هرات همچنان دارای اهمیت اقتصادی و تجاری بود. چنین به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که باعث شد در این زمان مشهد به عنوان یک شهر مهم از نگاه حکومت تلقی شود، فارغ از اهمیت سیاسی، قرارگیری در مسیر تجاری هرات بود، چنانکه کاروان‌های تجاری بزرگی همه روزه رهسپار مشهد و هرات گردیده و به داد و ستد کالا در این مناطق می‌پرداختند و این جریان رشد فعالیت‌های اقتصادی را نیز به همراه داشت (گابریل، ۱۳۴۸: ۱۷۸؛ انصاری-رنانی، ۱۳۸۰: ۱۰۱-۱۰۰). با وجود سکوت نسبی منابع، چنین دریافت می‌گردد که در دوره زندیه، کریم خان توجهٔ چندانی به شرق ایران و شهر هرات نداشته و بیشترِ تلاشِ او مصروف عمرانِ شیراز (پایتخت) بود. با این حال، چنین به نظر می‌رسد که مبنی بر ساختار و الگوی کهنِ تجاری هرات، همچنان حیات اقتصادی —مبتنی بر نگاهی تطبیقی به ادوارِ قبل و بعد از آن- در این شهر استمرار داشته و مقصد بسیاری از کاروان‌های تجاری محسوب می‌گردیده است.

با دست‌یابی قاجارها به قدرت، توجه به موقعیت اقتصادی هرات از دو بعد داخلی و به‌ویژه خارجی مورد نظر قرار گرفت. حکومت قاجار هم زمان با رقابت تنگاتنگ دولت‌های متخاصم روسیه، فرانسه و انگلستان در ایران بود و در چنین شرایطی از نگاه استعمارگرانی همچون انگلیس که هرات را در حکم دروازهٔ ورود به مستعمرهٔ حائز اهمیتشان یعنی هندوستان و حفظ حریمِ آن می‌دانستند، دخالت و حفظ موقعیت و حضور در این منطقه برای آنان دارای اهمیت بود. علاوه بر بعد سیاسی و نظامی، بهره‌مندی از ظرفیت‌های اقتصادی این ناحیه عاملی دیگر محسوب می‌گردید که دولتمردان انگلیسی همواره به آن توجه داشتند (Collen, ۱۹۰۶: ۶-۷؛ Foran, ۱۹۸۹: ۱۰).

هرات از جهت موقعیت جغرافیایی ممتاز و قرارگیری در مسیر کاروان‌های بزرگ تجاری و به عبارتی مبدل شدن به آخرین بارانداز تجاری در شرقِ ایران در خراسان دارای موقعیت اقتصادی ممتاز بود و این موضوع نمی‌توانست از نگاه استعمارگرانی چون انگلیس دور بماند. همچنین وجود جلگه‌ها و دشت‌های حاصل‌خیز، آب فراوان و محصولاتِ طبیعی فراوان موجب گردیده بود که در این زمان لقب «انبار غلّهٔ آسیا» را برای هرات به دنبال داشته باشد. علاوه بر این هرات لقب «کلید هندوستان» را دارا بود، چرا که هر نیرویی که در آنجا مستقر می‌شد، در مقابلش، تا سرحد هندوستان مزارع و جلگه‌های سبز و پرمحصولی قرار گرفته که وسائل ارتباط و لشکرکشی را از هر حیث فراهم می‌نمود (نیر، ۱۳۴۴: ۲۹۷-۲۹۶؛ Colonel, ۱۸۸۶: ۱۴۳). در این بین، دولتمردان انگلیسی بر اهمیت هرات واقف و برای شناخت هرچه بیشتر آن تلاش‌های گسترده‌ای انجاد داده بودند. به عنوان مثال، کریستی و پاتینجر دو افسر جوان انگلیسی و به عنوان جاسوسانی از سوی جان ملکم بودند که مأموریت شناسایی سرزمین‌هایی از جمله هرات را داشتند. آنان در گزارش-های خود شیفتهٔ رونق و حاصل خیزی هرات گردیده و بیان داشتند که این شهر در اختیار هر ارتش مهاجمی که قرار گیرد آذوقه و احتیاجات آن را تأمین می‌نماید (هاپکرک، ۱۳۷۹: ۵۷-۵۲).

از منظر اقتصادی نواحی خراسان به‌واسطه رواجِ فعالیت‌های تجاری از اوضاع کلی و عمومی مطلوبی برخوردار بودند چرا که تا قبل از انتزاع هرات، کارکرد بازارهای این شهر، بر رونق اقتصادی سایر شهرها و مناطق خراسان تأثیرگذار بود. به عنوان نمونه، شهر مشهد هرچند در ادوار گذشته با بخارا و قندهار و بلخ و هرات تجارت معتبری داشت در اوایل دوره‌ی قاجار نیز، علاوه بر اینکه یک شهر زیارتی محسوب می‌شد، مرکز پر رونق بازرگانی نیز به شمار می‌رفت و یکی از شاهراه‌های حیاتی ورود کالا از آن به هرات و بالعکس بود (لمبتون، ۱۳۷۵: ۱۵۵؛ امام، ۱۳۴۸: ۱۹۲-۱۹۱). با این حال به موجب عهدنامهٔ صلح پاریس و جدایی هرات، حیاتِ اقتصادی خراسان تا حد بسیاری تحت تاثیر قرار گرفت و آثار مهمی همچون مسدود شدن مسیر تجاری شرق به غرب، کاهشِ رونقِ کاروانسراها و موقعیت‌های شغلی، افزایش کشت و تجارت تریاک، رواج اجناسِ روسی و افزایش قیمتِ کالاها را به همراه داشت.

انسدادِ مسیر تجاری شرق به غرب

اصلی‌ترین و مهم‌ترین پیامد جدایی هرات بر خراسان، مسدود شدن مسیر تجاری شرق به غرب بود، چرا که می‌توان سایر پیامدهای اقتصادی دیگر در جریان انتزاع هرات -که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد- به شدت تحت تأثیر از این مقوله بیان داشت. تا پیش از جدایی هرات از خراسان، مسیر تجاری شرق به غرب و بالعکس در جریان بود؛ چراکه تا آن زمان در سراسر ایران هیچ جاده شوسه‌ای وجود نداشت و تجار از همان جاده‌های کاروان‌روئی که از هزاران سال پیش وجود داشته عبور می‌کردند (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۰۰). متعاقبا بیشتر شهرها و مناطق خراسان، رونق اقتصادی را شاهد بودند، چراکه کاروان‌های بزرگ تجاری به مقصد شرق ایران از سایر شهرهای خراسان (از جمله خواف،

تایباد، تربت جام، تربت حیدریه، طبس، مشهد، نیشابور و غیره) نیز عبور کرده و به داد و ستد کالا با مردم آن نواحی می‌پرداختند و به تبع این امر، بازارهای مناطق و شهرهای خراسان نیز از رونق نسبی برخوردار می‌گردید. اما زمانی که هرات مبنی بر عهدنامهٔ صلح پاریس از خراسان منتزع گردید، این مسیر تجاری مسدود شد. پس از آن شهرهای خراسان گرفتار اُفتِ اقتصادی چشمگیری گردیدند و حتی در سطح ملی این جریان تاثیرگذار قلمداد شد؛ چراکه یکی از منابع سودآور که ایران از اقتصاد جهانی در اختیار داشت محصول سرزمین خراسان و راه بازرگانی شرق به غرب بود (هامبلی، ۱۳۸۹: ۴۲۲/۷؛ ماهوان، ۱۳۸۸: ۲۸۱؛ ایزدی‌مجد، ۱۳۹۳: ۷۷۷۶).

بنابراین، به نحو محسوسی، سرنوشت و رونق اقتصادی خراسان، با هرات در پیوند بود[۱] چنانکه «این شهر، توقفگاه اجباری تمام کاروان‌هایی بود که از مشرق و جنوب شرقی عازم ایران بودند و مرکز تمام جاده‌های اصلی آسیای مرکزی بود که از مغرب و مشرق به این شهر منتهی می‌شدند» (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۱۴۱). همچنین در سفرنامهٔ خراسان و سیستان که به اوضاع ایران و افغانستان در روزگار سلطنت ناصرالدین شاه پرداخته و هنگامی نگارش یافته که اندک زمانی از جدایی هرات گذشته بود، در خصوص اوضاع اقتصادی مشهد آورده است: «وضع مشهد از نظر تجارت به هیچ وجه دیگر خوب نیست[...] در حال حاضر بیشتر تجّار این شهر ورشکسته شده و در وضعیت بدی به سر می‌برند. فعالیت‌های اقتصادی این شهر تقریباً جوابگوی نیازهای مردم خود و حومهٔ آن است و بدین ترتیب، تجارت بزرگی در آن انجام نمی‌گیرد و تجار دیگر نقش مهم و قابل توجهی را دارا نیستند» (ییت، ۱۳۶۵: ۳۰۷). بنابراین، از دست رفتن شهری چون هرات که از جانب مورخین و محققین، ثروتمندترین و زرخیزترین ایالت خراسان محسوب می‌شد (نیساری، ۱۳۵۰: ۹۷)، راه مراوده و بازرگانی ایران با کشورهایی همچون هندوستان را قطع نمود و ضربه‌ای سنگین بر اقتصاد ایران و به‌ویژه خراسان وارد ساخت.[۲]

اما نکته‌ای که در این بین قابل تحلیل است، انگیزهٔ دولت انگلیس از مسدود کردن مسیر تجاری شرق به غرب بود. هرچند در نگاه نخست انعقاد عهدنامهٔ صلح پاریس را شاید بتوان راهکار انگلیس برای تسلط نهایی بر هند دانست، اما فراتر از آن اهداف اقتصادی نیز در کانون توجه دولتمردان این کشور قرار داشت. با توجه به پیشینهٔ انگلیس و تلاش برای به‌دست آوردن امتیازات اقتصادی از دوره صفوی تا عصر ناصری، می‌توان به این موضوع آگاهی یافت که یکی از علل جداسازی هرات، علاوه بر بعدی نظامی و سیاسی، نگرشی مبتنی بر رویکرد اقتصادی بود. انگلیسی‌ها که در دوره قاجار قدرت بلامنازع جنوب ایران و به ویژه خلیج فارس محسوب می‌شدند، با پایان دادن به تسلط ایران بر یکی از خروج‌های ترانزیتی در شرق ایران از سویی بر آن تسلط یافته و نیز زمینه را برای رونق هرچه بیشتر مسیر تجاری دریای از جنوب فراهم آوردند (Malleson, ۱۸۸۰: ۹۰-۹۵).

مسدود شدن مسیر تجاری شرق به غرب که مبتنی بر سیاست‌های مزوّرانه و استعمارگرانهٔ انگلیس به وقوع پیوست، منبعث از انگیزه‌های دولت مذکور بود. به عبارتی، انگلیس در نظر داشت با مسدودسازی این مسیر تجاری مهم، همچنان به‌عنوان قدرت فائق و برتر در حوزهٔ دریایی به فعالیت اقتصادی ادامه دهد. در حقیقت، با سد کردن و در اختیار گرفتن یکی از مهم‌ترین مسیر تجاری ایران، نه تنها منافع اقتصادی حاصل از این شاهراه به دولت ایران تعلق نمی‌گرفت، بلکه سود سرشار آن نصیبِ انگلیس گردیده و از سویی با سیاست‌های اعمالی، شرایط رونق هرچه بیشتر تجارت از طریق خلیج فارس و افزایش قدرت بازرگانی انگلیس در حوزهٔ دریا فراهم گردید.[۳]

---

۱. علاوه بر این، تا زمانی که هرات در قلمرو خراسان قرار داشت، مردم مناطق خراسان و از جمله شهرهای مرزی همچون خواف، تایباد و تربت جام، به جهت اشتراکات فرهنگی، تاریخی، قومی، نژادی، زبانی، دینی و جغرافیایی با یکدیگر پیوندهایی خویشاوندی داشتند. لذا این پیوندها موجب شد، آنان از این رهگذر به روابط تجاری بپردازند. اما جدایی هرات از سویی موجب قطع پیوندهای خویشاوندی و نیز سبب شد تا مراودات و تعاملات بازرگانی آن‌ها نیز به یکباره قطع شود. به هر روی، مرز میان ایران و افغانستان مبدل به یک مانع اقتصادی شد (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

۲. با بررسی گزارش‌های تاریخی شاهد این جریان می‌باشیم که پس از صلح پاریس، گاه به‌صورت بسیار اندک این روابط تجاری در قالب کاروان‌هایی صرفا از ناحیه هرات و در قالبی غیر منسجم و موسمی ادامه یافته است، چنانکه گزارش گردیده «[...] دهم نوامبر ۱۸۶۳ هرات، این دروازهٔ آسیای میانه را در معیت کاروان بزرگی که به مشهد می‌رفت ترک کردم. کاروان شامل دوهزار نفر می‌شد[...] کاروان متشکل از عدهٔ زیادی مرد بود که اعضای آن بازهم به گروه‌های کوچکتر تقسیم‌بندی شده بود. مرا به جمع افغان‌های اهل قندهار دادند که به کار داد و ستد پوست و نیل می‌پرداختند و حال داشتند این کالاها را به ایران حمل می‌کردند» (وامبری، ۱۳۷۲: ۲۶۲).

۳. با این حال نمی‌توان اینگونه برداشت کرد که تجارت در خراسان بعد از عهدنامهٔ صلح پاریس به یکباره متوقف گردید. مبتنی بر گزارش سیاحان چنین به نظر می‌رسد که در تمام نواحی خراسان افول تجارت به تدریج حاکم گردیده اما در این بین شهرهایی همچون مشهد به‌عنوان کانونی برای فعالیت‌های صنعتی و صادارت کالاهایی -همچون فیروزه به کشورهای اروپایی- همچنان به حیات تجاری خود ادامه داده‌اند (مک‌گرگر، ۱۳۶۶: ۲۶۱/۱؛ شیندلر، ۱۳۴۷: ۲۰۴).

کاهشِ رونقِ کاروانسراها و موقعیت‌های شغلی

یکی دیگر از پیامدهای اقتصادی جدایی هرات بر خراسان که تا حد زیادی معلولِ انسدادِ مسیر تجاری شرق به غرب بود، متروک ماندن کاروانسراها محسوب می‌گردید و متعاقبا این جریان، عاملی موثر در کاهش موقعیت‌های شغلی در خراسان بود. مهم‌ترین و حیاتی‌ترین تأسیسات مسیرهای تجاری، تعداد کثیری از کاروانسراها بودند که تقریباً در همهٔ راه‌ها وجود داشتند. با اینکه پیدایش کاروانسراها را در شرق ایران به دوران کهن و از زمانی که تجارت و مبادلات بازرگانی در آن معمول شده بود نسبت داده‌اند، اما رواج و گسترش کاروانسراها از عصر صفویه به بعد رونقی به‌سزا یافت. در دورهٔ حکومت قاجاریه و البته تا قبل از عهدنامهٔ صلح پاریس نیز، کاروانسراها همچنان از فعالیت قابل توجهی برخوردار بودند (بارنز، ۱۳۶۶: ۶۱؛ گابریل، ۱۳۴۸: ۱۷۸؛ خانیکوف، ۱۳۷۵: ۱۱۹؛ ییت، ۱۳۶۵: ۲۶۸؛ خادمیان، ۱۳۸۰: ۹۵۳). تا پیش از جدایی هرات به جهت در جریان بودن مسیر تجاری شرق به غرب، کاروان‌های بزرگی از مناطق مختلف خراسان عبور کرده و به‌سوی هرات، که مقصد نهایی و یا پلی برای ورود به شرق دور بود، رهسپار می‌گردیدند. لذا برای رسیدن به هرات از مناطق مختلف خراسان گذر و در کاروانسراها توقف می‌کردند. این کاروانسراها در اکثر مناطق خراسان به تعداد قابل توجهی وجود داشته و فعال بودند. در خراسان می‌توان از شهرهایی چون مشهد، نیشابور، سرخس، خواف، تربت حیدریه، تربت جام و تایباد نام برد که کاروانسراهای بزرگ و بسیاری را دارا بودند (لباف‌خانیکی، ۱۳۸۴: ۳۱).

پویایی این کاروانسراها، به رونق تجارت و بازرگانی بستگی داشت و متعاقبا تا قبل از انتزاع هرات از خراسان، بیشتر این کاروانسرا از رونق نسبی برخوردار بودند و در این بین امنیت مطلوبِ مسیرهای تجارتی نیز سبب شده بود تا بازرگانان هندی و آسیای مرکزی، ترجیح دهند کاروان‌های خود را مستقیماً از ایران عبور دهند (دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۰۱). اما پس عهدنامهٔ صلح پاریس، پویایی اقتصاد خراسان با جدایی هرات و مسدود شدن مسیر تجاری شرق به غرب، به نحوی دیگر نیز ظاهر شد و آن، کاهش تعداد کاروان‌های مورد کاربری و متعاقبا متروک ماندنِ کاروانسراها بود، چراکه وجود کاروانسراهای متعدد و معمور و بازارها در هر دوره‌ای یکی از دلایل ثبات اقتصادی و تجاری محسوب می‌گردد. به‌عبارتی دیگر، تعداد کاروانسراهای فعال در یک شهر به رونق تجارت در آن بستگی داشت، چراکه کاروانسراها، علاوه بر بارانداز کالاهای تجاری، کامل کنندهٔ بازار نیز بودند. بنابراین با نگاه به وضعیت این دو عنصر، (کاروانسرا و بازار) می‌توان شرایط اقتصادی را مورد بررسی قرار داد. در این بین از رونق افتادن کاروانسراها، از جهات مختلفی بر اوضاع اقتصادی خراسان تأثیر گذاشت، چراکه آنان همچنین عنصری موثر در کسب درآمد و اشتغال بودند، چنانکه تنها عواید حاصل از کاروانسراها -جز مواردی که خصوصی بودند- به آن میزان قابل توجه بود که بخش بسیاری از آن وقف مدارس و امور خیریه می‌گردید (ماهوان، ۱۳۸۵: ۱۷۵؛ ایزدی‌مجد، ۱۳۹۳: ۵۵).

در پی جدایی هرات و رکودِ کاروانسراها پیامد اقتصادی مستقیم دیگر را می‌توان کاهش موقعیت‌های شغلی در خراسان دانست. آنگونه که پیشتر بیان شد، در اکثر شهرها و مناطق خراسان به‌واسطهٔ باز بودن مسیر تجاری و بازرگانی شرق به غرب، کاروانسراهایی وجود داشت که محل اقامت کوتاه مدتِ تاجران و بازرگانان بود. با توجه به سکوتِ نسبی منابع، چنین قابل تحلیل است که در این مکان‌ها افرادی بومی حضور داشته که در زمینه‌های گوناگون به فعالیت‌های خدماتی و یا مبادلاتی و تجاری پرداخته و به واسطه آن امرار معاش و متعاقبا چرخهٔ اقتصادی شهرهای خراسان از پویایی ممتازی برخوردار بود. چنانکه با بررسی میدانی بنای ظاهری کاروانسراهایی باقی‌مانده در شهرهای گوناگون که حلقه واسطه مسیرهای منتهی به هرات بوده‌اند دریافت می‌گردد ظرفیت‌های شغلی مهمی در آن جریان داشته که به طور طبیعی با جدایی هرات، کاهش اشتغال یکی از ثمرات آن بوده‌است. در نقطه مقابل، جدایی هرات موجب بی‌بهره ماندن خراسان بزرگ از نیروی انسانی موجود در این شهر گردید. چراکه همواره در اقتصاد هر ناحیه، جمعیت تأثیری قاطع داشته و هر اندازه که نیروی کار یا جمعیت فعال در یک جامعه با کثرت توام باشد، به همان نسبت تولید و اقتصاد در حال رشد قرار دارد (جباریان، ۱۳۷۲: ۵۹). بر این اساس خراسان از افرادی که در زمینه‌ها و حِرَف گوناگون تخصص و توانایی داشته و در هرات اقامت داشتند تا حد زیادی محروم گردید و این جریان یکی دیگر از حلقه‌های تاثیرگذار بر اقتصادی خراسان پس از عهدنامهٔ صلح پاریس محسوب می‌گردید.

افزایش کشت و تجارت تریاک

از دیگر پیامدها و نتایج جدایی هرات، اشتغال به کشت و تجارت تریاک محسوب می‌گردید. پیامدی که تا حد زیادی برخاسته و نشأت گرفته از سیاست‌های استعماری انگلیس در ایران بود. از آغاز عصر ناصری کشت خشخاش در سرتاسر ایران عمومیت یافت و پس از آن با نفوذ انگلیس در ایران «تریاک ایران به علت داشتن مورفینِ زیاد در تجارت نیز وارد شد و انگلیسی‌ها آن را به قیمت خوب می‌خریدند [...] در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه تریاک را منی ده دوازده تومان می‌خریدند. کشاورزان خراسان به

این امید بسیاری از درخت‌ها را بریدند و به‌جای آن‌ها تریاک کاری کردند و رفته رفته زراعت تریاک جای گندم را گرفت» (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۳: ۷۱۹/۲؛ نیز ر.ک: ویلس، ۱۳۶۱: ۲۲۱). از این رو تجارت و استعمال تریاک آنچنان در خراسان افزایش یافته بود که در سفرنامه یک سیاح فرانسوی چنین آمده است «محصول تریاک خراسان از همه جا زیادتر است، به طوری که در سال ۱۸۸۹م [۱۳۰۶ق] به اندازه ۱۸۰۰۰۰ تومان تریاک از همین ایالت به هندوستان و اسلامبول فروخته شد»[۱] (دالمانی، ۱۳۳۵: ۹۳). او سپس می‌افزاید «اغلب ایرانیان به کشیدن این سم مهلک عادت کرده‌اند و مخصوصا در خراسان شمارهٔ تریاکیان فوق‌العاده شده است [...] انحطاط اخلاقی در اروپا از افراط در مشروبات الکلی تولید می‌گردد ولی در ایران به‌واسطهٔ اعتیاد به کشیدنِ تریاک ایجاد می‌شود و آدم تریاکی بی‌اراده و ضعیف-النفس است و درکارها عزم و همتی بروز نمی‌دهد» (همان: ۹۵). این در حالی بود که در سال‌های پیش از این گزارش و تنها در اندک مدتی از جدایی هرات در (۱۲۸۵ق/ ۱۸۶۹م) تولید تریاک در خراسان ۱۴۰۰ من شاهی[۲] (۸۴۰۰ کیلوگرم) بود و پس از آن کرمان و حومه آن با ۱۵۰ من شاهی، روستاهای تهران با ۲۰۰ من شاهی، کاشان و روستاهای آن با ۲۵۰ من شاهی و اصفهان با ۵۰۰۰ من شاهی قرار داشتند[۳] (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۷۰).

اما در پس پردهٔ این جریان، نیت انگلیس مبنی بر ایجاد روحیهٔ خمودگی در مناطق مجاور با هرات نیز عاملی قابلِ تحلیل محسوب می‌گردد. انگلیس بعد از جدایی هرات به اقداماتی مبادرت ورزید تا بتواند استقلال این شهر را حفظ کند. گویا سیاستمداران انگلیسی به این نتیجه رسیده بودند که حفظ استقلال و آرامش مردم هرات از جدا کردن آن مهم‌تر و نیازمند سیاست‌هایی غیرمحسوس می‌باشد. زیرا از منظر آنان، این احتمال وجود داشت که مردم خراسان جهت استراد هرات، دست به شورش و جنگ بزنند. چرا که «به راستی که ایران نمی‌تواند از نظر دور بدارد که آنچه که در حال حاضر منطقهٔ غربی افغانستان است در ادوار طولانی تاریخ خراسان شرقی به‌شمار می‌رفته است و شهریاران و نایب‌السلطنه‌ها و حکام ایرانی بر هرات فرمانروایی می‌کرده‌اند و افرادی در آن حدود زندگی می-کنند که بیشتر سنت و آداب ایرانی و قیافهٔ ایشان را دارند و حایل و مانع طبیعی نیز بین آن منطقه و مشهد نیست» (کرزن، ۱۳۷۳: ۶۹۶/۲).

انگلیس از سویی در پی جلوگیری از شورش و اتحاد احتمالی مناطق مرزی خراسان با هرات و از سویی در پی ایجاد وابستگی هرچه بیشتر مناطق شرقی ایران برای حفظ امنیت هند بود، چنانکه در این باره یک افسر انگلیسی درباره موقعیت شهرهای خراسان چنین نقل کرده است که «موقعیت سیاسی و تجارتی مشهد این ایام خیلی مهم قابل ملاحظه می‌باشد، از نقطه نظر حفظ مصالح ما، مغرب افغانستان در مقابل هرگونه تجاوزات سرحدی بایستی محفوظ بماند و تجارت هند و انگلیس از این طریق، مسئله مهم دیگر بشمار می‌رود» (سایکس، ۱۳۳۶: ۳۰). بهترین راهکار را در حمایت غیر علنی از کشت و تجارت تریاک دانست. از نظر دولت انگلیس، همسایگان هند باید بی‌خبر و غافل می‌ماندند تا خطری متوجه این مستعمرهٔ با ارزش نگردد. از این رو، به جهت از بین بردن اندیشهٔ مقاومت در مناطقی که با وجود مشترکات فراوان از یکدیگر جدا شده بودند، بهره‌گیری از افیون را در دستور کار قرار داده و این تجارتِ به ظاهر اقتصادی، با اهرمی به نام کمپانی هند شرقی و با چند هدف عملی گردید: ۱. انحطاط فکری و جسمی در راستای ممانعت از انجام قیام‌های مردم خراسان در راستای بازپسگیری هرات. ۲. انهدام منابع داخلی و وابسته کردن آن‌ها به واردات محصولات خارجی. ۳. کسب بازار فروش محصولات و استثمار بیشتر مردم شرق ایران. متعاقبا به‌واسطه آن‌که انگلیسی‌ها تریاک ایران را با استقبال خریداری می‌کردند، کشاورزان از زراعت گندم خودداری و قسمت زیادی از اراضی را به کِشتِ خشخاش اختصاص دادند. به گونه‌ای که تریاک مبدل به یکی از مهم‌ترین اجناس صادراتی گردید. چراکه سهولت تجارت تریاک به دلیل حجم کم، سود سرشار و نقدینه آور بودن این کالا، از جمله دیگر انگیزه‌ها و دلایل اقبال شدید مردم و کشاورزان خراسان به کشت و تجارت تریاک بود (عبدالهی‌کوهی، ۱۳۸۰: ۳۵۵-۳۵۲).

رواج اجناسِ روسی و افزایش قیمتِ کالاها

به‌واسطهٔ کاهش فرصت‌های شغلی در خراسان و نیز پرداختن به مشاغلی همچون کشت تریاک که ثمرهٔ آن کوتاه مدت و گاه مخالف با منافع اجتماعی و مطابق با نظر دولت‌های استعماری همچون انگلیس در راستای وابستگی بیش از پیش مناطق شرقی بود، موقعیت ممتازی برای سایر همسایگان ایران در راستای تامین کالاهای مورد نیاز نقاط شرقی ایران فراهم آمد. یکی دیگر

۱. این نکته حائز اهمیت است که میزان تجارت تریاک در این سال ۲۵٫۶ درصد از صادرات کل کشور را تشکیل می‌داده است (Foran, ۱۹۸۹: ۱۹).
۲. هر من شـاهی مـعادل ۶ کیلوگرم می‌باشد.

۳. چنین به نظر می‌رسد که کشت تریاک حتی پس از عصر ناصری در خراسان غلبه داشته، چنانکه آنه کلود که بین سال‌های ۱۳۲۸-۱۳۲۷ق /۱۹۱۰-۱۹۰۹م در خراسان حضور یافته، بر این امر تاکید داشته است (کلود، ۱۳۶۸: ۱۵۳).

از پیامدهای اقتصادی جدایی هرات بر خراسان که تا حد زیادی معلولِ انسدادِ مسیر تجاری بود، حضور روسیه در مناطق شرقی از جمله خراسان بود. روس‌ها که مبتنی بر اهداف خود حتی پیش از جدایی هرات[۱] در پی نفوذ به این ناحیه و متعاقبا در تنش با انگلیس بودند، از فرصت پیش آمده به نحو مطلوب استفاده کردند (Marvin, ۱۸۸۵: ۷۹-۸۲؛ Vambery, ۱۸۸۵: ۷۳, ۱۰۰). روسیه بعد از سال ۱۲۶۶ق/ ۱۸۵۰م بر تفوق تجاری خود در ایران افزود چنانکه این امر تا حدی ناشی از صنعتی شدن روسیه و تا حدودی توسعه طلبی آن در آسیای میانه و به‌ویژه در ایران بود. متعاقبا ایران به بازاری برای کالاهای صنعتی روسیه تبدیل گردید و روسیه نیز از حالت فشار نظامی کاسته و به وسایل مسالمت‌آمیز و رخنهٔ اقتصادی متوسل شد (فوران، ۱۳۷۷: ۱۷۷). هر چند در این بین بسیاری از شهرهای خراسان برای روسیه دارای کارکردهای حیاتی بودند، چنانکه به عنوان نمونه مشهد برای آنان حائز نهایت اهمیت بود، زیرا کرسی نشین ایالت خراسان محسوب می‌گردید که آذوقهٔ روزانهٔ عشق آباد را تأمین می‌نمود (سایکس، ۱۳۳۶: ۳۰).

بر این اساس، روسیه که پیوسته در پی کسب منافع خود بود، به‌واسطه تمرکز انگلیس در هرات و نیز خواست فزاینده مردم خراسان، به فعالیت‌های تجاری سودآور روی آورد که ثمره آن گسترش کالاهای روسی در بازارهای خراسان و وابستگی هرچه بیشتر اقتصاد شرق ایران به این کشور بود. مطابق با گزارش مورخین و سیاحانی که به خراسان بعد از عهدنامهٔ صلح پاریس سفر داشته‌اند، نفوذ روس‌ها، در اکثر شئون اقتصادی مردم خراسان مشهود و تجارت تا حد وسیعی در اختیار این بازرگانان بود، چنانکه کالاهای مورد نیاز را خراسان در حد گسترده‌ای از روسیه وارد می‌گردید. این نفوذ بر خلاف انگلیس که تا حدودی در لفافه و غیر مستقیم اعمال می‌گردید به نحوی آشکار بود. به عنوان نمونه در بازارهای مشهد حجره‌ها و مغازه‌ها، دارای تابلوهایی به روسی و فارسی بودند و همچنین کالاهای موجود در بازارهای مشهد اغلب اسامی روسی داشتند[۲] (انتنر، ۱۳۶۹: ۵۵-۵۴؛ الیس، ۱۳۷۲: ۱۱۸).

بنابراین، جدا شدن هرات و مسدود شدن مسیر تجاری شرق به غرب از یک سو و نفوذِ اقتصادی گستردهٔ روس‌ها در ایران به‌ویژه بعد از انعقاد عهدنامهٔ آخال (۱۲۹۸ق / ۱۸۸۱م) از دیگر سو، موجب گردید تا اوضاع اقتصاد خراسان به مرحله‌ای دیگر از ضعف و سستی منتهی گردد. در نتیجه روس‌ها، توانستند بازارهای شهرهای خراسان را در تحت سلطه گیرند. در حقیقت آنچه که روس‌ها را در نیل به این هدف، یاری کرد آن بود که با جدایی هرات، ورودِ کالاهای متنوع وارده به خراسان کاهش یافت. به این ترتیب روس‌ها توانستند بازارهای مشهد و بسیاری از شهرهای خراسان را به دست بگیرند. به طور مثال، ادوارد ییت که بعد از جدایی هرات، به خراسان سفر داشته است، در ضمن گزارش سفر به تربت حیدریه در مورد بازار این شهر چنین آورده است که «بیشتر آنچه که در بازار یافت می‌شد روسی بود و معلوم شد که به جز چند قلم کالا، مابقی از روسیه به اینجا آورده می-شود» (ییت، ۱۳۶۵: ۵۶). همچنین سایکس که گویا در سال‌های آخر حکمرانی ناصرالدین شاه به شهرهای خراسان سفر داشته است، ذکر می‌کند که «اجناس و امتعه روس‌ها در بازار این ناحیه به‌غایت فراوان می‌باشد» (سایکس، ۱۳۳۶: ۳۰).

موضوع دیگری که با در اختیار گرفتن بازارهای خراسان تا پایان عصر ناصری در خراسان حکم‌فرما گردید، افزایش قیمت کالاها بود. مبتنی بر پیشینهٔ تجارت در ایران، یکی از ویژگی‌های حضور کاروان‌ها، کالاهای گوناگون، فراوان و ارزان قیمت برای مردم مناطق گوناگون بود (طاهری، بی‌تا: ۲۱۳). اما انسداد مسیر تجاری و عدم حضور کاروان‌ها، بر تنوع و قیمت کالاها در مناطق خراسان، تأثیر محسوسی نهاد چنانکه «مردم خراسان از قدیم الایام روابط تجاری پابرجایی با هرات داشتند و بسیاری از لوازم زندگی خود را از این طریق تأمین می‌کردند. بستن این راه باعث گردید تا بهای این ملزومات نیز به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد» (ییت، ۱۳۶۵: ۲۷۸). در این باره می‌توان بیان داشت که تا پیش از جدایی هرات، کاروان‌هایی که به جانب خراسان و به مقصد هرات و بالعکس رهسپار می‌شدند، کالاهای متنوع و فراوانی به همراه داشته و با مردم شهرها به داد و ستد و مبادله می‌پرداختند. به عبارتی، فراوانی و تنوع کالا، سبب شده بود تا کالاها ارزان و قابل تهیه باشد. از طرفی، تولیدکنندگان داخلی هر شهر را مجاب می‌نمود تا در میدان رقابت با دیگر رقیبان تاجر و بازرگان، بر کیفیت تولیدات خود بیفزایند. در این میان، سود فراوانی نصیب مردم به‌عنوان متقاضیان می‌گردید؛ زیرا در چنین شرایطِ رقابتی، کالاهایی با قیمت ارزان و متنوع و نیز باکیفیت مطلوب، خریداری می‌کردند. اما با جدایی هرات این وضعیت دگرگون شد و شرایطی بر مناطق خراسان مستولی شد که حاکی

---

۱. در رابطه با تنش‌های حاکم میان انگلیس و روسیه به ویژه در سال‌های ۱۲۵۸-۱۲۵۵ق برای سلطه بر هرات و مناطق مجاور آن، ر.ک: (Morrison, ۲۰۱۴: ۲۶۰-۲۷۵).

۲. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: (داود، ۱۳۷۶: ۳۲).

از سیر صعودی قیمت کالاها و سیر نزولی تنوع و کیفیت آن‌ها داشت.

نتیجه گیری

دوره قاجار و به‌ویژه عصر ناصری، به علتِ پیامدهای حاصل از انقلاب صنعتی، گسترش نظام سرمایه‌داری و نیز در اولیت قرارگیری تجارت جهانی، رقابتی چشمگیر در میان کشورهای استعماری برای سلطه اقتصادی بر کشورهای آسیایی به‌وقوع پیوست و در این بین، پشتوانه‌های سیاسی–نظامی در نقش مکملی برای دستیابی غیرعلنی به این جریان بروز یافت. ایران در ادوار تاریخی گوناگون به‌واسطهٔ موقعیت جغرافیایی ممتاز، همواره گذرگاه و حلقهٔ اتصال تجاری غرب به شرق و بالعکس محسوب می‌گردید. در این بین هرات به واسطهٔ دارا بودن حکم بارانداز کاروان‌ها و نیز دروازهٔ ارتباط حائز اهمیت بود. در بین کشورهای استعماری، انگلیس از دیرباز به اهمیت موقعیت هرات آگاهی یافته و به‌علت همجواری آن با هندوستان، باتکیه بر قدرت سیاسی–نظامی با انعقاد عهدنامهٔ صلح پاریس به هدفِ غایی خود مبنی بر جدایی هرات و ایجاد حریمی امن برای هند و نیز انسداد دروازهٔ هند بر روسیه نایل آمد. این اقدام تا حدزیادی موجب ضعف استقلال سیاسی و نیز محدودیت ارضی ایران گردید. اما این جریانِ آثار گوناگونی اقتصادی کلان در سطح کشور و اختصاصی را در خراسان از ۱۲۷۳ق تا ۱۳۱۳ق به همراه داشت. نخستین اثر که آثار چشمگیری را در پی داشت، مسدود شدن مسیر تجاری شرق به غرب و بالعکس بود. این جریان از سویی موجب کاهش صادارت و واردات، تغییر مسیر تجاری از هرات به خلیج فارس و وابستگی اقتصادی به انگلیس گردیده و متعاقبا، کاهشِ رونقِ کاروانسراها و موقعیت‌های شغلی از دیگر ثمرات آن بود. در پی کاهش فرصت‌های شغلی، مشاغلی کاذب که از سویی آثار منفی اجتماعی و از سویی در راستای منافع انگلیس بود مورد توجه قرار گرفته و افزایش کشت و تجارت تریاک در این زمان با رشدی بیش از پیش همراه گردید. متعاقبا روسیه که از حضور در هند و تعرض به هرات بازمانده بود، به‌واسطهٔ بر شرایط ایجاد شده در بستر اقتصادی خراسان، مبنی بر کاهش کالاهای وارداتی مورد نیاز مردم، از فرصت پیش آمده به نحو مطلوب استفاده نموده و در اندک زمانی رواج اجناسِ روسی نتیجهٔ آن بود. از سویی دیگر به دلیل حذف رقابت در بازار عرضه و تقاضا و نیز کاهش نیروی انسانی، افزایش قیمتِ کالاها به موضوعی ثابت مبدل گردید. با این حال عامل اصلی در عدم تغییر و کنترل این اوضاع در خراسان را تا حد زیادی می‌توان نشات گرفته از عدم آگاهی مردم به صورت عام و درباریان به نحو خاص از تحولات اقتصادی در عرصهٔ جهانی دانست. چراکه در این زمان نظام سیاسی حاکم، صرفا برخوردار از روحیه استبدادی و ناآگاه از تحولات بین‌المللی و متقابلا ناتوان از سیاست‌گذاری‌های مطلوب در راستای هدایت جامعه در شرایط بحرانی در جهت رفع معضلات اقتصادیِ تحمیلی بود.

فهرست منابع

• اعتمادالسلطنه، محمد حسن، (۱۳۷۳)، *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه (المآثر و الآثار)*، تصحیح ایرج افشار، تهران: اساطیر.

• الیس، سی. اچ، (۱۳۷۲)، *دخالت نظامی بریتانیا در شمال خراسان*، ترجمه کاوه بیات، تهران: مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

• امام، سید محمدکاظم، (۱۳۴۸)، *مشهد طوس (جغرافیای تاریخی خراسان)*، بی‌جا: کتابخانه ملک.

• انصاری‌رنانی، قاسم، (۱۳۸۰)، *تجارت در دورهٔ قاجاریه*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

• انتنر، مروین، (۱۳۶۹)، *روابط بازرگانی روس و ایران*، ترجمه احمد توکلی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

• ایزدی‌مجد، نرگس، (۱۳۹۳)، «خراسان از دیدگاه سیاحان اروپایی در دوره قاجار»، *پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد*، استاد راهنما عباس سرافرازی، مشهد: دانشگاه فردوسی.

• بارنز، آلکس، (۱۳۶۶)، *سفرنامه بارنز به ایران در عهد فتحعلی شاه قاجار*، ترجمه حسن سلطانی‌فر، مشهد: آستان قدس رضوی.

• بهمنی‌قاجار، محمدعلی، (۱۳۸۵)، «پایان حاکمیت سیاسی ایران بر هرات (۱۲۸۰–۱۲۷۳ق)»، *تاریخ روابط خارجی*، شماره ۲۹: صص۹۵–۷۱.

• پارسادوست، منوچهر، (۱۳۸۸)، *شاه عباس اول*، ج۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.

• پولاک، یاکوب‌ادوارد، (۱۳۶۱)، *سفرنامه (ایران و ایرانیان)*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.

• جباریان، آذین، (۱۳۷۲)، «تأثیر عوامل جمعیت بر اقتصاد»، *جمعیت*، شمارهٔ ۴–۳: صص۶۶–۵۷.

• جوزجانی، منهاج سراج، (۱۳۶۳)، *طبقات ناصری*، ج۲، تهران: دنیای کتاب.

• چکنگی، علیرضا، (۱۳۷۵)، *راه ابریشم*، مشهد: آستان قدس رضوی.

• حافظابرو، شهاب‌الدین عبدالله بن لطف‌الله، (۱۳۷۲)، *زبدهٔ التواریخ*، تصحیح سیدکمال سیدجوادی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

• خادمیان، کاظم، (۱۳۸۰)، *فرهنگ جغرافیای ایران (خراسان)*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

• خانیکوف، نیکولای ولادیمیروویچ، (۱۳۷۵)، *سفرنامه*، ترجمهٔ: اقدس یغمایی، مشهد: آستان قدس رضوی.

• خواندمیر، غیاث‌الدین‌بن‌همام‌الدین، (۱۳۷۲)، *مآثر الملوک*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: رسا.

• دالمانی، هانری‌رنه، (۱۳۳۵)، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.

• داود، ناصر، (۱۳۷۶)، *سفرنامهٔ حاجی داود (زائری از بمبئی به مشهد)*، ترجمه سید حسین رئیس السادات، مشهد: آستان قدس رضوی.

• دوسرسی، کنت، (۱۳۶۲)، *ایران در ۱۸۴۰-۱۸۳۹م*، ترجمه احسان اشراقی، تهران: نشر دانشگاهی.

• دهقان‌نژاد، مرتضی، (۱۳۸۷)، «انگلستان و معاهده استعماری پاریس»، *تاریخ روابط خارجی*، شماره ۳۷: صص۹۵-۷۸.

• رضوانی، علیرضا، (۱۳۸۴)، *در جست و جوی هویت شهری مشهد*، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.

• زرقانی، سید هادی، (۱۳۸۶)، *مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین المللی*، تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا.

• ساسان‌پور، شهرزاد، (۱۳۸۳)، «هرات شهری در مسیر راه ابریشم»، *تاریخ روابط خارجی*، شماره ۲۱: صص۳۸-۱.

• سایکس، سرپرسی، (۱۳۳۶)، *سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس؛ ده هزار میل در ایران*، ترجمه حسین سعادت‌نوری، تهران: ابن سینا.

• شیندلر، هوتوم، (۱۳۴۷)، *سه سفرنامه هرات، مرو، مشهد*، به اهتمام قدرت‌الله روشنی، تهران: دانشگاه تهران.

• عاملی، سعید رضا، (۱۳۹۰)، *میراث تمدنی ایران*، ج۱، تهران: پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

• عبدالهی‌کوهی، احمد، (۱۳۸۰)، «تاریخ و نقش افیون در ایران عصر صفوی تا مشروطه»، *پایان نامهٔ کارشناسی ارشد*، استاد راهنما: حسین الهی، مشهد: دانشگاه فردوسی.

• عیسوی، چارلز، (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۳۳۲-۱۲۱۵ق)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.

• غفاری‌کاشانی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق). *تاریخ نگارستان*، تصحیح مرتضی مدرس‌گیلانی، تهران: کتابفروشی حافظ.

• فوران، جان، (۱۳۷۷)، *مقاومت شکننده*، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.

• قزوینی، زکریا بن محمد، (۱۳۷۳). *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه میرزا جهانگیر قاجار، تهران: امیرکبیر.

• کرزن، جرج. ن، (۱۳۷۳)، *ایران و قضیهٔ ایران*، ج۱، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم.

• کلود، آنه (۱۳۶۸)، *اوراق ایرانی؛ خاطرات سفر آنه کلود در آغاز مشروطیت*، ترجمه ایرج پروشانی، تهران: معین.

• گابریل، آلفونس، (۱۳۴۸)، *تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران*، ترجمه فتحعلی خواجه‌نوری، تهران: ابن‌سینا.

• لباف‌خانیکی، رجبعلی، (۱۳۸۴)، «کاخ رباط‌های جادهٔ ابریشم در خراسان و ماوراءالنهر»، فرهنگ و هنر خراسان، شماره ۱۳.

• لمبتون، آ.ک.س، (۱۳۷۵)، *ایران عصر قاجار*، ترجمه سیمین فصیحی، مشهد: جاویدان خرد.

• ماهوان، احمد، (۱۳۸۸)، *تاریخ مشهد الرضا(ع)*، مشهد: ماهوان.

• متولی‌حقیقی، یوسف، (۱۳۸۳)، *افغانستان و ایران: پژوهشی پیرامون روابط سیاسی و چالش‌های مرزی از احمدشاه درانی تا احمدشاه قاجار*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

• محمود، محمود، (۱۳۷۸)، *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی*، ج۳-۱، تهران: اقبال.

• مدنی، سید جلال‌الدین، (بی‌تا)، *تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران*، ج۱، قم: اسلامی.

• مظاهری، علی‌اکبر، (۱۳۸۸)، *جادهٔ ابریشم*، ج۱، ترجمه ملک ناصر نوبان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

• مک‌گرگر، سی.ام، (۱۳۶۶)، *شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان*، ج۱، ترجمه مجید مهدی‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.

• مفید، محمد، (۱۳۸۵)، *جامع مفیدی*، ج۳، تصحیح ایرج افشار، تهران: اساطیر.

• مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، (۱۳۶۹)، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دورهٔ صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی*، تهران: امیرکبیر.

• میرخواند، محمدبن خاوندشاه، (۱۳۸۰)، *روضه‌الصفا*، ج۱۰، تصحیح جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.

• نیساری، سیروس، (۱۳۵۰)، *کلیات جغرافیایی ایران*، تهران: بی‌نا.

• نیر، محمد انور، (۱۳۴۴)، «هرات»، *آریانا*، شماره ۲۵۹: صص۲۸۳-۳۰۵.

• وامبری، آرمینیوس، (۱۳۷۲)، *زندگی و سفرهای وامبری*، ترجمه حسین آریا، تهران: علمی و فرهنگی.

• ویلس، چارلز جیمز، (۱۳۶۳)، *تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*، ترجمه سید عبدالله، به‌کوشش جمشید دودانگه، تهران: زرین.

• هاپکرک، پیتر، (۱۳۷۹)، *بازی بزرگ؛ عملیات سازمان‌های جاسوسی روس و انگلیس در آسیای مرکزی و ایران*، ترجمه رضا کامشاد، تهران: نیلوفر.

• هامبلی، گوین، (۱۳۸۹)، «شهر سنتی–ایرانی در دورهٔ قاجار»، *تاریخ ایران در دوره قاجاریه به روایت کمبریج*، ج۷، ترجمه تیمور قادری، تهران: مهتاب.

• ییت، چارلز ادوارد، (۱۳۶۵)، *سفرنامهٔ خراسان و سیستان*، ترجمه قدرت‌الله روشنی، تهران: یزدان.

• Alder, G. J, (۱۹۷۴) “The key to India?: Britain and the Herat problem (۱۸۳۰–۱۸۶۳)” part ۱, *Middle Eastern Studies*, vol ۱۰:۲: pp۱۸۶-۲۰۹.

• Alder, G. J, (۱۹۷۴) “The key to India?: Britain and the Herat problem (۱۸۳۰–۱۸۶۳)” part ۲, *Middle Eastern Studies*, vol ۱۰:۳: pp۲۸۷-۳۱۱.

• Burton, Audrey, (۱۹۸۸), “The Fall of Herat to the Uzbegs in ۱۵۸۸”, *British Institute of Persian Studies*, vol ۲۶: pp۱۱۹-۱۲۳.

• Collen, Edwin, (۱۹۰۶), The defence of India, London: Central Asian Society.

• Colonel, C.E, (۱۸۸۶), “A visit to badghis in ۱۸۸۳, and to the herat valley in ۱۸۸۵”, *Scottish Geographical Magazine*, vol ۲: pp۱۲۹-۱۴۴.

• Foran, John, (۱۹۹۸), “The concept of dependent development as a key to the political economy of Qajar Iran (۱۸۰۰–۱۹۲۵)”, *Iranian Studies*, vol ۲۲: pp۵-۵۶.

• Gammell, C. P. W, (۲۰۱۶), *The Pearl of Khorasan: A History of Herat*, London: Hurst.

• Gustafson, James, (۲۰۱۳), “Qajar Ambitions in the Great Game”, *Iranian Studies*, vol ۴۶: pp۵۳۵-۵۵۲.

• Henty, George Alfred, (۲۰۰۲), *To Herat and Cabul: a story of the first Afghan War*, Preston: Speed Publications.

• Kuhzad, Ahmad Ali, (۱۹۵۷), *Men and events: through ۱۸th and ۱۹th century (Afghanistan)*, Kabul: Unknown.

• Malleson, George Bruce, (۱۸۸۰), *Herat: the granary and garden of Central Asia*, London: W.H. Allen & co.

• Marvin, Charles Thomas, (۱۸۸۵), *The Russians at the gates of Herat*, New York: C. Scribner's Sons.

• Morrison, Alexander, (۲۰۱۴), “Twin Imperial Disasters. The invasions of Khiva and Afghanistan in the Russian and British offcial mind, ۱۸۳۹-۱۸۴۲”, *Modern Asian Studies*, vol ۴۸, pp۲۵۳-۳۰۰.

• Paul, Jurgen, (۲۰۰۰), “The Histories of Herat”, *Iranian Studies*, Vol ۳۳: pp۹۳-۱۱۵.

• Tate, George Passman, (۱۹۱۱), *The Kingdom of Afghanistan: A Historical Sketch*, Bombay, Calcutta: Times of India offices.

• Unknown, (۱۸۵۷), *Correspondence respecting relations with Persia*, London: Harrison and Sons.

• Vambery, Armin, (۱۸۸۵), *The coming struggle for India*, London: Cassell & company.

• Volodarsky, Mikhail, (۱۹۸۵), “Persia's Foreign Policy between the Two Herat Crises”, *Middle Eastern Studies*, vol ۲۱: pp۱۱۱-۱۵۱.